

اکثریت

نشریه‌های اداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۳ برابر با ۱۵ اکتبر ۱۹۸۴
بها ۴۰۶ ریال - سال اول - شماره ۲۸

تظاهرات اعتراضی گسترده در تهران علیه رژیم جمهوری اسلامی

این تظاهرات که بدنبال لغو یک مسابقه فوتبال به وقوع پیوست ساعتها در خیابانهای اطراف ورزشگاه امجدیه ادامه داشت.

آمدن یک زمینه مناسب سربها فوران کرده و به این شکل یا آن شکل تجلی می یابد.
مطابق اخبار واصله بر مبنای برنامه تنظیم شده از سوی هیات فوتبال تهران، قرار بوده است در چارچوب مسابقات فوتبال قهرمانی دسته اول باشگاههای تهران، در ساعت ۳ بقیه در صفحه ۳

در روز سه شنبه هفته گذشته حرکت اعتراضی وسیعی حول یک مسابقه ورزشی شکل گرفت. این حرکت نشان می دهد نارضایتی مردم و نفرت آنها از رژیم جمهوری اسلامی تا بدان حد بالاست که علی رغم سرکوب و اختناق موحشی که سایه شومش را در سرتاسر میهن صیبت دیده ما گسترانیده است، به مجرد پدید

مردم می گویند:

جنگ را قطع کنید!

شعار "جنگ را قطع کنید" در میان مجموعه مطالبات مردم جای ویژه و برجستهای دارد. این شعار بی گمان وسیع ترین اقبال مردم را حول خود گرد آورده است. حکومت با سماجت در ادامه جنگ، هر چه بیشتر مخالفت یکپارچه توده های ملیونی را برانگیخته است. جنگ عرصه ای است که ارتجاع حاکم، در آن از هر عرصه دیگری بیشتر منزوی گردیده است.

رژیم در تامین نفرت و منابع مالی مورد نیاز برای جنگ، هر چه بیشتر در تنگنا قرار گرفته است. مقاومت مردم در برابر آن به نحوی روز افزون و با شکل مختلف ادامه می گیرد. جلب سرباز و اعزام آنان به جبهه ها، امروز جزو دشوارترین کارهای ارگانهای حاکمیت شده است. سپاه پاسداران، ژاندارمری، بسیج و شهرپانی، هر کوی و برزن و کوه و کمین را در جستجوی مشمولین کند و کاو میکنند. در روستاها، جوانان مشمول خدمت وظیفه وسیعا از معرفی خود سرباز میزنند. برخی از کسانی که دستگیر روانه پادگانها میشوند، در اولین فرصت میگریزند. مقاومت جوانان بقیه در صفحه ۲

بیانیه احزاب چپ و مترقی هندوستان در مورد جنگ ایران و عراق خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد

رستاخیز مرده ها؟

تفسیری از هفته نامه "عصر جدید"
به قلم دیمتری ولسکی

تشدید فعالیتهای ارتجاعی در منطقه برای احیای بلوک بندی نظامی امپریالیستی سنتو، نگرانی بر حق نیروهای انقلابی و کشورهای پیشرو را برانگیخته است. نبش قبر "آر. سی. دی."، زائده اقتصادی سنتو، بوسیله رژیم های ایران، ترکیه و پاکستان نخستین نشانه آشکار آنست که روند احیای سنتو آغاز شده است.

هفته نامه "عصر جدید" چاپ مسکو درباره تشدید فعالیت رژیمهای ارتجاعی منطقه بر مبنای اشتیاق امپریالیسم برای احیای سنتو تفسیری به قلم دیمتری ولسکی درج کرده است که ترجمه آن را از نظران می گذاریم.

در صفحه ۱۰

در صفحه ۱۰

انعکاس گزارش "بند ۲۸" در مطبوعات مترقی جهان

تظاهرات گسترده

علیه جنگ خانمانسوز ایران و عراق
در دهلی نو



مصاحبه "اکثریت" با یکی از مسئولین
سازمان جوانان سوابو

نامیبیا: به سوی آزادی از استعمار و نژادپرستی

در حالی که اکثریت قریب به اتفاق خلقهای آفریقا در چند دهه اخیر با مبارزاتی سرسختانه و به دنبال تغییر تناسب نیروها در عرصه بین المللی از جنگ استعمار رهایی یافتند، در نامیبیا هنوز نظام سیاسی استعماری ازمیان نرفته است. در سال جاری یک صد سال از آغاز استعمار نامیبیا سپری شد. باین مناسبت برای آشنایی بیشتر خوانندگان نشریه با مبارزات مردم نامیبیا تحت رهبری "سوابو"، مصاحبه ای ترتیب داده ایم با رفیق آمون آندراس تیه تیاو. رفیق آمون یکسی از مسئولین سازمان جوانان و دانشجویان سوابوست.

در صفحه ۶

در صفحه ۷

انجمن های اسلامی: ارگانهای جاسوسی - تبلیغی رژیم

همبستگی بین المللی با کارگران کانادادرای

در این مراسم که در شهر برمن برپا شد، شرکت کنندگان پس از استماع سخنان یکی از حضار درباره این واقعه، بیانیه زیراموژد تأیید و تصویب قراردادند.
"ما همبستگی خود را با خواسته های کارگران اعتصابی کارخانه کانادادرای تهران، اعلام داشته و حمله و خشیان رژیم ایران را به اعتصابیون محکوم می کنیم. ما خواهان آزادی فوری کارگران بازداشت شده هستیم."

دری فعالیت های افشاگرانه فدائیان خلق در خارج کشور، سرکوب خونین کارگران اعتصابی کانادادرای، در میان مجامع کارگری کشورهای مختلف بازتاب یافت. از جمله در آلمان فدرال به این مناسبت بیانیه ای در حمایت از کارگران کانادادرای صادر شد.
اتحادیه سندیکا های آلمان فدرال (د.گ.ب.) در تاریخ سوم مه در مراسمی که به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب نیکاراگوئه برپا نموده بود، این امر را مورد توجه قرارداد.

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شعبده بازی تازه حکومت ارتجاعی

حکام مرتجع ج ۱۰۰ همچنان به شعبده بازی ها و جنایات خود ادامه می دهند. یکی از آخرین اقدامات این رژیم نمایش تلویزیونی جدیدی است که ز هفته پیش آغاز شده است و یکی از قربانیان حکومت اسلامی، یعنی رفیق احسان طبری را مجبور به شرکت در آن کرده اند. همانطور که همه می دانند احسان طبری پیش از این سال است که در زندان بسر می برد و هدف فاشیست ها و فشارها و شکنجه ها و تفتیقات جسمی و روحی بوده است. رفیق احسان طبری تاکنون چند بار به سکت قلبی و مغزی دچار شده و عکس هایی که از او در روزنامه ها منتشر گردیده است، با کمال وضوح و غیر عادی او را نشان می دهد. اکنون که سران ج ۱۰۰ احسان طبری، این انسان دانشمند، شریف و زجر دیده را مجدداً به جلوی دوربینهای تلویزیون می کشند، ما باریگر صدای اعتراض خود را علیه حکام جنایت پیشه تهران بلند می کنیم و برپیشانی آنان داغ ننگ می زنیم. رفیق احسان طبری، در بیش از چهار سال، در آثار متعدد خود، نظریات خویش را درباره مارکسیسم، لنینیسم و مسایل سیاسی و اجتماعی ایران بیان کرده است. آنچه امروز حکام تهران به او نسبت می دهند، نظریات او نیست و نمی تواند باشد، آنچه امروز بر زبان او می گذارند منویات ترک ها و انسان نمایی است که بیش از یک سال او را زیر شکنجه های وحشت آورده سرحد مرگ رسانده اند.

تبهکاران رژیم اسلامی باید بدانند که با این شعبده بازیها قادر به قلب عقایق نیستند. آنها بگری نمی توانند مردم ایران را بفریبند. این اقدامات، آنها را روز بروز منفرد تر و در نظر مردم ایران و جهان مغرور تر و بی آبرو تر می سازد.

ما این دو رجید توطئه علیه حزب توده ایران و اعضای آن را شدیداً محکوم می کنیم و تمام مردم انسان دوست، ترقیخواه و صلح جو ایران و جهان را به یاری می طلبیم. ما از نیروهای ملی و مترقی کشور و از سازمانها و شخصیت های دموکراتیک جهان طلب می کنیم صدای اعتراض خود را علیه جرایم و جنایات حکام مرتجع ایران بلند کنند و با اعزام نمایندگان و بویژه پزشکانی به تهران، برای بررسی وضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی، از ادامه فجایع مرتجعین حاکم بر ایران جلوگیری کنند.

دنیا نباید و نمی تواند در برابر این تبهکارها ساکت کند، نباید و نمی تواند در برابر توهمین به شخصیت انسانها خاموش بنشیند. ما مطمئنیم که اگر صدای همه مردم انسان دوست و ترقیخواه ایران و جهان هماهنگ شود، می توان به تبهکارهای حکام مرتجع ج ۱۰۰ پایان داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ شهریور ۱۳۶۳

اوج گرفته که رژیم حتی سخن از صلح را نیز "کفر" می نامد و با مجازات های سنگین پاسخ می دهد. در برابر منع و سرکوب رژیم، مردم خلافت اشکال متنوع تری را یافته و به کار می گیرند. این مبارزه توقف ناپذیر است. خشونت و لجاجت حکومت نمیتواند مردم را از مبارزه در راه صلح بازدارد. مبارزه مردم در راه دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دیگر با امر صلح پیوسته شده است.

گسترش مبارزه مردم در راه صلح، زمینه های تازه ای را برای ارتقاء آن فراهم آورده است. عمل ترک پیشرو انقلابی کار ارتقاء آن را تسهیل میکند. کوشش در وادار ساختن رژیم به قطع جنگ و برقراری، فوری صلح که با بسیج مردم و از طریق افشا هر چه بیشتر سیاست های جنگ افروزان و ارتجاعی رژیم پیش میرود، یکی از جنبه های کار مشترک احزاب و سازمان های ترقی خواه است. عمل مشترک پیشروان انقلابی اثر تعیین کننده ای در ارتقاء و سازماندهی مبارزه مردم بر جای خواهد نهاد. در این صورت برای رژیم توان چندانی در ادامه لجاجت نمی ماند.

فعالیت های فاشگران و سازمانگرا نسه فدائیان خلق که با کوشش های گرانقدر دیگر مبارزین همراه است، تاکنون تاثیر بزرگی بر جای گذاشته است. هر شعاری که بر دیوار نوشته میشود، هر اعلامیه و تراکشی که منتشر میگردد، مردم دفاع از صلح را برافراشته تر میکند. سازمانگری اعتراضات و مقاومت های مردم توسط پیشروان انقلابی بر دامنه و برد این مبارزه می افزاید. در این زمینه دستاوردهای فعالین فدائی، در محیط های کار و زندگی پر ارزش است و سهم بغایت بزرگی در ارتقاء مبارزات توده ای بر جای نهاده است. عمل مشترک نیروهای ترقیخواه، آلمان مشترک همه مردم را بازتاب خواهد داد و راه پیروزی را، هموارتر و کوتاه تر میکند.

جنگی که برای ارتجاع "نعمت" است دیگر به بن بست رسیده است. نه کشورگشایی برای ما جراجویان مقدور است و نه تحمیل داعی جنگ به مردم. مقاومت مردم و اعتراض گسترده علیه جنگ را هیچ کس نمیتواند نادیده بگیرد. این قدرتی است که جاری است، سیلی است که در نهایت نه فقط خس و خاشاک را می رود که صخره ها را هم از جای می کند. هر چه که اعتراض دامنه می گیرد، توان حکومت را کاهش می دهد. مرتجعین در توجیه این جنگ بی معنی، ویرانگر و خائنان سوز، هیچ حرفی برای گفتن ندارند. اینک به ناچار بی هیچگونه پروائی تنها تاکید میکنند که مردم باید تدایم جنگ را برای سالها بپذیرند و دم برنیاورند. این لافاطلاات به حرف های بی معنی یک محتضر می ماند که رشته را از دست داده است. آنچه که تعیین خواهد کرد حکم مردم است. مردم حکم بر قطع جنگ داده اند. پس بی گمان صلح بر جنگ چیره خواهد شد.

مردم می گویند:

جنگ را قطع کنید!

در برابر مامورین سرپا زگیری در روستاها چنان افزایش یافته که رژیم برای غلبه بر آن نیروهای زیادی را بسیج کرده است. اما جوانان روستائی برخودار از پشتیبانی دیگر روستائیان، با پیش بینی تدابیر اولیه، تهاجمات واحد های سرپا زگیری را خنثی می نمایند. برای درهم شکستن مقاومت در روستا، رژیم علاوه بر اعمال مجازات های سنگین تصویب شده، به کسرات روستائیان و دهقانان را دسته جمعی مجازات میکند. در موارد متعددی اقوام مشمولین را پس از ضرب و شتم بجای آنها راهی پادگان کرده و یا به عنوان گروگان زندانی نموده اند.

در شهرها و در پست های بازرسی جاده های کشور نیز دریدر بد نیال "گوشه دم توپ" میگردند. برای یافتن مشمولین خانه گردی میکنند. در تبریز مقامات شهرتانی رسماً اعلام داشتند که خانه های مردم را در جستجوی مشمولین بازرسی خواهند کرد. در همین شهر محله ای را برای پیدا کردن چند مشمول محاصره کردند.

رژیم نه تنها جان مردم را وثیقه اهدا ف ارتجاعی و جنگ طلبانه خود کرده بلکه میکوشد بخش دیگری از دسترنج مردم را بهانه جنگ برباید. تحت عنوان "کلم مردم" به جبهه ها، درصدی از دسترنج غالب کارگران و کارمندان را به طهر خود سرانه کسر میکنند و میکوشند مخالفت آنان را نسبت به این دزدی آشکار نادیده بگیرند. اما بویژه در کارخانجات، کارگران نسبت به این عمل وسیعاً اعتراض میکنند. بی توجه به تهدید و فشار، هر روز گروه وسیعتری از کارگران از کسر بخشی از دسترنج به بهانه جنگ جلوگیری می نمایند.

مقاومت در برابر جنگ، پیر و جوان نمی شناسد و به کارخانه و یا اداره محدود نمانده است؛ در همه جا اعتراض توده ای علیه جنگ شعله میکشد. مبارزه زنان در راه صلح بخش مهمی از مبارزات است که مردم در راه صلح پیش می برند. خشم و خروش مادرانی که فرزندان را در کوره جنگ میسوزانند چنان پرطنین است که حتی پرده ضخیم تبلیغات دغل کارانه رژیم را می برد. در شهر و روستا زنان زحمتکش هیچ فرصتی را برای بیان اعتراض نسبت به جنگ و بیان آرزوهای صلح طلبانه خود از دست نمی دهند. تشییع جنازه برپایی مراسم ختم کشتگان جنگ، از کارهای مشکل حکومت شده است. در این گونه مجامع ابراز نفرت از جنگ توسط مردم، علنی آشکار می شود. برق سرنیزه های پاسداران نیز نمی تواند اعتراض مادران و اقوام قربانیان جنگ و دیگر مردم را خاموش سازد.

مبارزه مردم در راه صلح در شرایطی

تظاهرات اعتراضی... بقیه از صفحه اول

۴/۵ بعد از ظهر سه شنبه هفته گذشته (۱۷ مهر ماه)، مسابقه ای بین تیمهای سرشناس پرسپولیس و پاس در ورزشگاه امجدیه (شیرودی) صورت گیرد. ورزشدستان علاقمند به سرنوشت این مسابقه از روزها قبل در اشتیاق تماشاى رقابت و تیم مذکور بودند. استقبال از این مسابقه تا به حدی بود که چند ساعت مانده به شروع آن، بلیط ورودی به ورزشگاه، در بازار سیاه قیمتی برابر با ۴۰۰ تومان یافت. همانگونه که پیش بینی میشد، ورزشگاه امجدیه نتوانست همه علاقمندان به تماشاى مسابقه پرسپولیس و پاس را در خود جا دهد. جمعیتی قریب به ۵۰ هزار نفر پشت در ورزشگاه مانده و نتوانستند به داخل آن راه یابند. این جمعیت که انتخاب چنین ورزشگاه کوچکى را از جانب مسئولین ورزشی رژیم برای انجام این مسابقه پر تماشاچى به مثابه يك دهن كجى آشكار می دانستند، درهای امجدیه را شکسته و به زور وارد استادیوم شدند. با مشاهده این حرکت اعتراضی، مسئولین هراسان شده و اعلام کردند مسابقه انجام نخواهد شد و برای متفرق ساختن جمعیت دم به دم از طریق بلندگوها این وعده را تکرار نمودند که مسابقه در روز جمعه در ورزشگاه آزادی برگزار می شود و همه می توانند بدون داشتن بلیط به تماشاى آن بایانند. این وعده ها خشم جمعیت را فرو نمی نشاند. آنان شروع به دادن شعار می کنند. ابتدا شعار "مرگ بر داوودی!" (داوودی معاون نخست وزیر و سرپرست تربیت بدنی

تنگ نظران و مخرب رژیم در عرصه ورزش و به دنبال يك دهن كجی آشكار به مردم صورت گرفت. اجتماعات خود جوهر میادین ورزشی هیچ گاه مورد رضایت مسئولین حنومى نبود. در این گونه اجتماعات برخلاف گرد همائی های فرمایشی، ایادی رژیم نه فقط نمی توانستند شعارهای ارتجاعی را تکرار نمایند، بلکه مردم با استفاده از هر فرصتی و با بهره گیری از هر شکلی علیه رژیم شعار میدادند.

در روز سه شنبه مسابقه پاس - پرسپولیس قرار می شود در ورزشگاه ۳۰ هزار نفری امجدیه انجام پذیرد. ولی مسابقه کیان - پیام در استادیوم عدد هزار نفری آزاد صورت می گیرد! این دهن كجی وقیحانه از دید مردم پنهان نمی ماند. زمینه میاست، جرقه زده می شود و خشم مردم تجلی می یابد. رژیم در برابر حرمت مردم به گلوله های آتشین متوسل می شود، ولی خشمی که از سرچشمه های بی شمار مایه می گیرد، نه با تفنگ فروخورده می شود و نه با يك اقدام ناپیشی ضد انگیزه ای ممنوع عزل يك مهره، فرو می نشیند. عسل العمل بزرگ مردم در برابر يك دهن كجی بظا هر کم اهمیت رژیم نشانه شدت خشم آنان نسبت به حاکمیت ارتجاع است. مردم هیچ فرصتی را برای ابراز نفرت از خائنین به انقلاب زدست نمی دهند. رژیم اگر چه این بار هم بسا سرکوب توانست صف تظاهر کنندگان خشمگین را در هم بشکند اما بی گمان روزهای دشواری در پیش رود دارد. مردم راه گسترش مبارزه را در پیش گرفته اند.

است) سر می دهند و بعد به شعارهایشان رنگ تندتری داده و مقامات جمهوری اسلامی را نشانه می گیرند. بالا گرفتن این شعارها مداخله پاسداران شدت می یابد. آنها به سوی جمعیت یورش برده و به اسلحه متوسل می شوند. بر طبق آخرین اخبار واصله بر اثر تیراندازی کیمیت چی ها دست کم يك نفر کشته و دهها تن زخمی شده اند. جمعیت خشمگین با قدرت نمایی وحشیانه پاسداران از جاسا بدر نمی رود. آنها تظاهرات خود را در سطح همه خیابانهای اطراف ورزشگاه گسترش داده و تا ساعتها شعار می دهند و نیروهای سرکوبگر رژیم را مستأصل می سازند. این حرکت وسیع اعتراضی آنچنان انعکاس وسیعی می یابد که مقامات رژیم به دست و پا می افتند و تنه چارهای که می یابند حذف یکی از مهره های خود در برابر این حرکت مردم است. روزنامه های عصر پنجشنبه خبر داده اند که "جان فدا" سرپرست هیات فوتبال تهران عزل و با قرار ۳ میلیون ریال بازداشت شده است. اتهام او "تحلف خود سرانه، عدم رعایت مقررات و عدم هماهنگی های لازم" ذکر گردیده است.

حرکت اعتراضی ورزشگاه امجدیه یکی دیگر از نشانه های نارضایتی عمیق مردم است. این حرکت مثل بسیاری از حرکات مشابه خود، در ظاهر انگیزه بلاواسطه سیاسی ندارد ولی تجلی آن تنها بر يك بنیاد سیاسی است و خیلی سریع همچنان که مشاهده شد - ریشه های سیاسی خود را بروز می دهد. مبنای تظاهرات روز سه شنبه چه بود؟ این تظاهرات بر زمینه سیاست های ارتجاعی

بیانیه احزاب چپ و مترقی هندوستان در مورد جنگ ایران و عراق خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد

و اعدام می شوند. بر اساس اخبار موثق در مورد ایران و عراق، روزانه دهها تن از این میهن پرستان در سیاحالهای جمهوری اسلامی و رژیم عراق مخفیانه اعدام می گردند.

ما، امضا کنندگان این درخواستنامه از شما می خواهیم:

الف - تلاشهای خود را برای پایان دادن به این جنگ، ضد انسانی تشدید کنید.
ب - علیه دستگیریهایی گسترده و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران اقدام کنید.
ج - برای جلوگیری از سرکوب احزاب و سازمانهای میهن پرست مخالف در ایران و عراق تلاش ورزید.

۱ - حزب کمونیست هندوستان ۲ - حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
۳ - اتحاد پیشرو سراسری هند ۴ - حزب سوسیالیست انقلابی ۵ - حزب سوسیالیست دموکراتیک ۶ - حزب کنگره هندوستان (J)
۷ - کنگره سراسری هندوستان (سوسیالیست)

ایران با صلح و تلاش برای ادامه جنگ به هر قیمت و از سوی دیگر حسابهای طرف مقابل یعنی رژیم عراق برای گسترش جنگ به عرصه خلیج فارس، هر دو باعث تشدید وخامت اوضاع شده اند. ارقام و واقعیت ها نشان می دهد که جنگ خانمانسوز ۸ ماهه بین ایران و عراق، نتیجتاً برای مردم دو کشور ۳۰۰ هزار کشته، ۱/۵ میلیون معلول و ۳ میلیون نفر آواره بوده است. روزانه میلیون دلازان ثروت خلیجهای تحت ستم ایران و عراق در شعله های این جنگ، ضد مردمی سوخته و نابود می شود. روزانه صدها تن از جوانان د و ملت در صحرای عراق کشته می شوند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران مخالفین ادامه جنگ را بیرحمانه سرکوب می کند. اعضا و هواداران نیروهای دمکرات و مترقی شامل سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، حزب توده ایران، مجاهدین خلق و سایر نیروهای چپ و میهن پرست به جرم مخالفت با ادامه جنگ و سایر سیاستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی، دستگیر شده، تحت شکنجه قرار گرفته

به مناسبت چهارمین سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق بیانیه زیر از سوی احزاب چپ و مترقی هندوستان خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد انتشار یافت:

به آقای خاور پرز و کوشیلار، دبیر کل سازمان ملل متحد

عالیجناب!

همانگونه که اطلاع دارید از جنگ ایران و عراق ۸ ماه می گذرد، جنگی که خطره گسترش و تبدیل آن به يك درگیری منطقه ای روز بروز تشدید می شود. در حال حاضر خلیج فارس به میدان عملیاتی مقدیر عظیمی تجهیزات نظامی و به همین نسبت نیروهای تاج و زرگر دریایی آمریکا، تبدیل شده است. امپریالیسم آمریکا و متحدینش منتظر فرصتی هستند تا با استفاده از تشنج موجود در منطقه خلیج فارس مستقیماً دست به دخالت زده و حتی اراضی کشورهای منطقه را نیز اشغال کنند. از یکسو مخالفت هیستریک رهبران جمهوری اسلامی



به طور وسیعی اعلامیه مشترک هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، هواداران حزب توده ایران و انجمن دانشجویان عراقی و بیانیه ۱۸ سازمان برپا کنند فاین آکسیون ، بین مردم توزیع شد .

تظاهر کنندگان ضمن اجتماع در مقابل منزل خانم گاندی ، با دادن شعارهایی مبنی بر ضرورت قطع فوری جنگ ایران عراق ، آرایشان خواستند که بعنوان رئیس کشورهای غیر متعهد

تظاهرات گسترده علیه جنگ خانمانسوز ایران و عراق در دهلی نو

همبستگی مردم ایران و عراق " ، " زندانی سیاسی آزاد باید گردد ! این جنگ ، خانمانسوز خاموش باید گردد ! " ، " سیصد هزار کشته صدها هزار زخمی ، جمهوری اسلامی تنگت باد ، تنگت باد ! - دهها هزار کشته ، دهها هزار دریند ، جمهوری اسلامی تنگت باد ، تنگت باد ، تنگت باد ! " نفرت و انزجار خود را نسبت به جنگ ابراز داشته و خواهان آن گشته اند که به کشتار مردم محرم و نابود کردن منابع ملی و کشور پایان داده شود . در مسیر تظاهرات

روز ۲۶ سپتامبر برابر با ۴ مهر ماه در شهر دهلی نو تظاهرات با شکوهی علیه ادامه جنگ ایران و عراق برگزار شد . این تظاهرات به مناسبت هفته تبلیغ برای صلح در هفته اول پنجمین سال جنگ با شرکت سازمانهای جوانان و دانشجویی زیر انجام پذیرفت :

- ۱- فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان
- ۲- فدراسیون سراسری جوانان هندوستان
- ۳- اتحاد ملی دانشجویان هندوستان (سوسیالیست)
- ۴- کنگره جوانان هندوستان (سوسیالیست)
- ۵- مجمع سراسری جوانان هندوستان
- ۶- اتحادیه سراسری دانشجویان هندوستان
- ۷- فدراسیون دانشجویان هندوستان
- ۸- فدراسیون دمکراتیک جوانان هندوستان
- ۹- سازمان سراسری جوانان انقلابی هندوستان
- ۱۰- اتحادیه سراسری دانشجویان مترقی هندوستان
- ۱۱- جوانان جاناتا (خلق)
- ۱۲- دانشجویان جاناتا (خلق)
- ۱۳- کنگره جوانان ایالت دهلی (J)
- ۱۴- سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان - هندوستان
- ۱۵- اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی - هندوستان
- ۱۶- انجمن دانشجویان عراقی
- ۱۷- جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) - هندوستان
- ۱۸- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - هندوستان

علاوه بر تشکلهای فوق ، اتحادیه سراسری کارگران هندوستان ، فدراسیون ملی زنان هندوستان ، انجمن دمکراتیک زنان هندوستان و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران با حضور نمایندگان خود در تظاهرات ، پشتیبانی خود را از خواسته های شرکت کنندگان در آن ، اعلام داشتند .

تظاهرات از منطقه " بوت کلاب " مقابل پارلمان هندوستان آغاز شد و در مقابل منزل خانم گاندی نخست وزیر هندوستان رئیس سازمان کشورهای غیر متعهد دخاته یافت .

شرکت کنندگان در تظاهرات با دادن شعارهایی چون " جنگ ایران و عراق را قطع کنید ! ما صلح می خواهیم " ، " صلح آری ! - جنگ نه ! " ، " زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ ! " ، " مرگ بر امپریالیسم آمریکا ! " ، " زنده باد

انعکاس وسیع خبر تظاهرات ضد جنگ در مطبوعات هندوستان



نمودند برای پایان دادن به جنگ تلاش ورزند

• هندوستان تایمز (۲۷ سپتامبر) " ما صلح می خواهیم ! مرگ بر جنگ ! " شعارهایی بود که گروه کثیری از دانشجویان ایرانی و عراقی با سرهای پوشیده به وسیله ماسکهای قرمز به همراه تعداد زیادی از سازمان های دانشجویی و جوانان هندی سر داده و به سمت محل اقامت نخست وزیر حرکت کردند

• روزنامه استیتسمن (۲۷ سپتامبر) " در بیانیه تظاهرات کنندگان گفته شده است که جنگ مخالف منافع مردم هند و کشور می باشد و تا کنون ۳۰۰۰۰ نفر کشته ، یک میلیون و نیم معلول و ۳ میلیون نفر بی خانمان به جا گذاشته است

• روزنامه ناشنال هرالند (۲۷ سپتامبر) " امروز تعداد زیادی از جوانان و دانشجویان . . . دست به یک راهپیمایی زدند . . . و بیانیه ای را به نخست وزیر تسلیم نمودند که در آن گفته شده تنها نتیجه این جنگ فرسایشی برای مردم و کشور ویرانی و فلاکت بوده است

خبر تظاهرات ۲۶ سپتامبر در دهلی نو ، انعکاس وسیعی در مطبوعات هندوستان داشت . در زیر به گوشه هایی از گزارشهای جراید این کشور در مورد این حرکت اعتراضی اشاره می کنیم .

• روزنامه پاتریوت (۲۷ سپتامبر) " در بیانیه ای که ۱۸ سازمان دانشجویی و جوانان از هند ، ایران و عراق و دیگر کشورهای خلیج در روز چهارشنبه به نخست وزیر ایندیرا گاندی تسلیم کردند ، آرایشان به عنوان رهبر جنبش غیر متعهد قضا خواستند که از نفوذ خود جهت خاتمه دادن به جنگ چهار ساله ایران و عراق استفاده کنند

یک هیات ۵ نفره به رهبری " نپال باتا چاریا " عضو پارلمان و عضو فدراسیون دانشجویان هند به محل اقامت ایندیرا گاندی رفته و بیانیه را به ایشان تقدیم کردند

• روزنامه قوسی آواز (۲۷ سپتامبر) " جوانان و دانشجویان راهپیمایی خود را از " بوت کلاب " آغاز کرده و تا خانه خانم گاندی ادامه دادند . تظاهرات کنندگان از خانم گاندی رهبر جنبش عدم تعهد درخواست

اعلامیه های مشترک به مناسبت چهارمین سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق

فرانسه

انجمن دانشجویان عراقی، هواداران حزب توده ایران و دانشجویان هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در هندوستان انتشار یافت. در این اعلامیه که عنوان آن "چهار سال جنگ بیپرده بین ایران و عراق" است، گفته شده:

"بر هیچ کس پوشیده نیست که صدای حسین جنگ را با تحریک آمریکا و دیگر نیروهای امپریالیستی به منظور فرو نشاندن احساسات مردمی و ضد امپریالیستی خلقهای ایران و نیز منحرف ساختن افکار عمومی مردم عراق از مسائلی و مشکلات اجتماعی و انداختن آن در مسیر شوونیسم، آغاز کرده است."

مسئولیت ادامه این جنگ بیپرده و فرسایشی برعهده رهبری جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی جنگ را ادامه می دهد تا بدینوسیله بتواند کلیه حقوق دموکراتیک اقشار مختلف مردم را پایمال سازد. رهبران هر دو کشور از جنگ به عنوان وسیله ای برای سرکوب نیروهای مترقی استفاده می کنند. بیش از ۵۰ هزار نفر در زندانهای عراق و دهها هزار زندانی سیاسی در زندانهای ایران، زیر آزار و شکنجه قرار دارند، بطور متوسط روزانه ۱۰ نفر در زندانهای جمهوری اسلامی مخفیانہ اعدام می شوند.

در پایان اعلامیه آمده است: "ما جوانان و دانشجویان ایران و عراق که در هندوستان تحصیل می کنیم مخالف این جنگ که مستقیماً علیه آزادیهای ابتدایی مردم و کشور راست، می باشیم." ما از همه اقشار دموکراتیک مردم هندوستان می خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه این جنگ امپریالیسم خواسته، رسا تر کرده و خواهان قطع فوری آن و برقراری کلیه حقوق دموکراتیک برای مردم و کشور شوند."

متن فراخوان رامش چاندرا، رئیس شورای جهانی صلح برای نجات جان احسان طبری و کلیه دموکرات های دریند ایران

تمام کسانی که در جهان برای عدالت مبارزه می کنند، خواهان آزادی احسان طبری، فیلسوف و کلیه دموکرات های زندانی در ایران هستند. آنها میهن پرستانی هستند که زیر شکنجه های غیر انسانی برای صلح و عدالت مبارزه می کنند.

همه مردم صلح دوست و آزاد یخوا جهان باید برای آزادی آنها مبارزه کنند.

رئیس شورای جهانی صلح
رامش چاندرا

در تاریخ ۱۹ سپتامبر به مناسبت چهارمین سالگرد آغاز جنگ اعلامیه مشترکی با عنوان "از مبارزه مردم عراق و ایران، علیه جنگ و اختناق پشتیبانی کنید!" با امضای تشکیلات حزب کمونیست عراق، فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در فرانسه، انتشار یافت.

اعلامیه بعد از توضیح چگونگی آغاز جنگ از جانب رژیم عراق، مقاومت مردم ایران در برابر اشغالگران و این که چگونه رژیم جمهوری اسلامی به دنبال اخراج نیروهای عراقی - راه خیالپردازیهای توسعه طلبانه را پیش گرفت و به خواسته امپریالیسم مبنی بر تدوین جنگ تن داد، آماری از میزان تلفات جنگ ارایه داده و آنگاه می افزاید:

"به موازات این جنگ بی معنی و غیر عادلانه، رژیم های عراق و ایران در داخل اختلاف را شدت بخشیده اند، اختلافی که امروزه نه تنها نیروهای دموکرات، خلق کرد و اقلیتها ملی، بلکه کلیه قشرهای وسیع مردم را زیر ضرب قرار داده است. در ایران، ادامه جنگ به نیروهای ارتجاعی اجازه داد که دستاوردهای انقلاب را به زیر سؤال ببرند و جهت انقلاب را به نفع بورژوازی، بازار و فلاکین بزرگ تغییر دهند و به این ترتیب نزدیکی به کشورهای امپریالیستی را، در زمینه های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی شدت بخشیدند. از سوی دیگر در عراق، سیاستهای رژیم درگرو سیاستهای کشورهای خلیج و امپریالیست ها قرار گرفت."

اختتام بلافاصله جنگ، نه تنها خواست فوری خلقهای کشورهای ما، بلکه همچنین پاسخگوی منافع صلح جهانی است که در صورت بین المللی شدن این جنگ، مورد تهدید جدی قرار خواهد گرفت."

ما احزاب و سازمانهای امضاکننده این اعلامیه خواهان برقراری یک صلح عادلانه و دموکراتیک می باشیم، صلحی که بر پایه قبول مرزهای بین المللی شناخته شده قبل از جنگ، به رسمیت شناختن حق هر خلق در تعیین رژیم سیاسی و اجتماعی خود و رد الحاق خاک کشوری به کشور دیگر، مبتنی باشد. از این طریق است که خلقهای ما می توانند با حسن همجواری و به صورتی برادرانه در کنار یکدیگر زندگی کنند."

اعلامیه در پایان تمام نیروهای دموکراتیک و دوستداران صلح، آزادی و حقوق بشر را فرا می خواند تا همبستگی خود را با مبارزات خلقهای ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ و استقرار دموکراسی گسترش بخشند.

هندوستان

در آستانه هفته تبلیغ برای صلح کهصادف با سالگرد آغاز جنگ است، اعلامیه مشترکی از سوی

نهایت سعی خود را در پایان بخشیدن به این جنگ، بیپرده، به عمل آورند. نمایندگان ۱۸ سازمان برپا کننده تظاهرات که سه عضو پارلمان هندوستان نیز جزو آنان بودند، قطعنامه تظاهرات کنندگان خطاب بمسافرتخانه های ایران و عراق به همراهمیانیه جداگانه ای خطاب به خانم گاندی را به مشاور سیاسی ایشان تسلیم کردند. در بیانیه خطاب به خانم گاندی آمده است:

"... ادامه این جنگ دستاویزی برای حضور نظامی آمریکا در خلیج تحت پوشش حفظ راههای آبی شده است. این شرایط نه تنها منطقه آسیا را تهدید می کند بلکه تبدیل این جنگ به یک بحران جهانی نیز امری محتمل است. ما مصرانه شما به عنوان رئیس سازمان کشورهای غیر متعهد تقاضا می کنیم فورا نفوذ خود را در رابطه با دولتهای ایران و عراق به کار گرفته و برای پایان دادن به جنگ تلاش نمایید."

همین نمایندگان با مراجعه به سفارتخانه های ایران و عراق در دهلی نو، قطعنامه تظاهرات کنندگان را به همراه نامه ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی و سفیر عراق بدانان تحویل دادند.

در قطعنامه تظاهرات کنندگان تاکید شده است:

"ما معتقدیم این جنگ برخلاف منافع اساسی مردم ایران و عراق است. تعداد ۳۰ هزار نفر در این جنگ کشته شده اند. یک میلیون و نیم معلول و سه میلیون نفر بی خانمان گشته اند."

ما اعدای بی شماری را که به بهانه "منافع ملی" دو کشور انجام می گیرد محکوم می کنیم و از همه مردم صلح دوست، احزاب، کشورها، سازمان ملل و جنبش غیر متعهد ها تقاضا داریم تا با فعالیت های خود صدای اعتراضشان را به گوش دولت متخاصم برسانند تا برای همیشه به این جنگ بیپرده، پایان داده شود."

در نامه به سفرای ایران و عراق گفته شده است:

ما نفرت و خشم خود را نسبت به ادامه جنگ، ایران و عراق که باعث فداکات مردم هر دو کشور شده است ابراز می داریم. این بیانیه را برای دولتتان ۱۰۰۰ ارسال داریم. نمایندگان تظاهرات کنندگان و جمع کثیری از شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی با مراجعه به سفارت آمریکا در دهلی نو، بیانیه تظاهرات کنندگان را به همراه نامه ای خطاب به سفیر آمریکا در هند تحویل این سفارتخانه سه دادند. در نامه خطاب به سفیر آمده است:

"ما امضا کنندگان ذیل ... اعتراض عمیق خود را نسبت به دخالت دولت آمریکا در منطقه خلیج ابرازی داریم و اعمال دولت آمریکا تحت لوای دروغین حفظ راههای دریایی که تنها در جهت ادامه جنگ غیر انسانی ایران و عراق است را، محکوم می کنیم."

مصاحبه "اکثريت" با یکی از مسئولین سازمان جوانان سواپو نامیبیا: به سوی آزادی از استعمار و نژادپرستی

● نامیبیا چگونه به استعمار درآمد و مراحل تاریخی استعمار نامیبیا کدامند؟

نامیبیا بین سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۹۱۵ تحت استعمار امپریالیسم آلمان بود. آنها کشور را راه زیر استعمار وحشیانه ای کشیدند و ورود نیروهای آلمانی به کشور را، دوستانه نبود. آنها پیش از آمدنشان، قرارداد های دروغینسی با برخی رؤسای قبایل امضا کردند. بیسمارک، صدراعظم آلمان، بدنبال امضای قرارداد ها و پس از اینکه امضا کنندگان، حکومت مرزی آلمان را مطلع نمودند، به نامیبیا نیرو فرستاد تا سرزمین ها را به بر بنیاد معاملات جعلی به چنگ آورد. بعد از تسخیر نامیبیا، حضور نیروهای آلمانی تا سال ۱۹۱۵ بر علیه منافع خلق نامیبیا ادامه یافت. مردم ما دریافتند که آنچه حقیقتاً در اندیشه آلمانیهامی گذرد، چیزی جز فتح و به تملک در آوردن سرزمینشان نبود، و از اینرو مصمم به باز پس گرفتن سرزمینشان شدند که به مالکیت آلمانیهام درآمد بود. در نتیجه، نبرد بین استعمارگران آغاز شد، نبردی که موجب کشتار و خرابی بسیار گردید. بیش از ۸۰٪ از مردم ما جانان را در این نبرد باختند و یا به "اوماهیکه" تبعید گشتند و در آنجا بر اثر تشنگی و گرسنگی تلف شدند. اوماهیکه Omahae منطقه ای در صحرای کالاهاری است که از شرق نامیبیا تا استان هموار کشور بوتسوانا گسترده است.

استعمار آلمان به دنبال جنگ اول جهانی به سر آمد و نامیبیا به دست "جامعه ملل" سپرده شد تا سرپرستی کرد چرا که بر سر مستعمرات قبلی آلمان اختلاف بود و قدرت های امپریالیستی نمی خواستند جنگ دیگری بپاشد. بریتانیا به عنوان یک امپراتوری، نیروهای آفریقایی جنوبی را که در آن زمان زیر فرمان امپریالیستی خویش داشت روانه کشور ما کرد تا با ماندن های نیروی آلمانیهام وارد جنگ شوند. بنابراین پس اقدام، نامیبیا در سال ۱۹۱۵ به تسخیر آفریقای جنوبی درآمد. بعد ها "سازمان ملل متحد" به جای "جامعه ملل" قدیم تشکیل شد و از آفریقای جنوبی خواست که اهالی نامیبیا را برای حکومت بر کشور خودشان آماده سازد و از سوء استفاده از منابع اقتصادی و ... نامیبیا احتراز کنند. این تاریخچه مختصری از نامیبیا بود.

● مقامات دیرپراستعمارگران آفریقایی جنوبی به چه ترتیب بوده است؟

سازمان ملل متحد و خلق نامیبیا پس از اینکه متقاعد شدند که آفریقای جنوبی اصول مقرر از جانب سازمان ملل را به عمل در نمی آورد، درخواست خروج نیروهای آفریقایی جنوبی از نامیبیا را نمودند. آفریقای جنوبی با پشتیبانی جهان غرب، ادعاهایی را عنوان کرد تا به کمک آنها بتواند نامیبیا را به سرزمین خود ملحق کرده و آنرا پنجمین استان کشورش نماید. لیکن دادگاه

محکوم می کند. این توصیفی از موقعیت فعلی نامیبیا بود.

● سواپو چگونه تشکیل شد و نقش آن در نبرد انقلابی خلق نامیبیا چیست؟

پس از آنکه خلق نامیبیا دریافت که وجود یک جنبش رهایی بخش که بتواند مردم نامیبیا را از هر دسته و گروه سازمان داده و متحد سازد، تنها راه پاسخ گفتن به حاکمیت خفقان بار آفریقایی جنوبی است، سواپو در سال ۱۹۵۹ پدید آمد. سواپو در همان اوایل تشکیل خود، مردم نامیبیا را از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور متحد ساخت. سواپو هم اکنون مورد پشتیبانی بیش از ۸۵٪ از مردم نامیبیا است. این بارزترین نکته در میان دستاوردهای سواپو است. به همین دلیل، آفریقای جنوبی همیشه سعی داشته است در میان مردم نامیبیا تفرقه ایجاد کند. سیاست آپارتاید ظاهراً به معنی رشد جداگانه سیاهان و سفیدان است، لیکن در حقیقت امر، سیاهان و سفید مطرح نیست و سیاهان تنها مجبورند به عنوان قبایلی در سرزمین های غیر حاصلخیز و فقیر زندگی کنند. این همان کاریست که آفریقای جنوبی در دیگر نقاط نیز انجام می دهد و قصد دارد در نامیبیا هم ادامه دهد. البته امروزه تحت عنوان یک گروه داخلی، گروه DTA که از اولین گروه های بورژوازی ساخته و پرداخته آفریقای جنوبی بود هم اکنون از جانب استعمارگران کنار گذاشته شده است زیرا که نتوانست از پشتیبانی توده های مردم ما برخوردار گردد. مردم نامیبیا دریافتند که این گروه عامل استراتژی آفریقایی جنوبی در تداوم حکومت بر نامیبیا است و به همین دلیل نیز از آن پشتیبانی به عمل نیاوردند. حال سعی دارند گروه دیگری در نامیبیا سرهم بندی کنند که آنهم در حال از هم پاشیدن است. واضح است که آفریقای جنوبی نخواهد توانست در اهداف خود پیروز گردد، زیرا که قادر نیست پشتیبانی خلق نامیبیا را جلب نماید. آفریقایی جنوبی به لحاظ نظامی بسیار قوی است و از پشتیبانی ایالات متحده و کابینه ریگان و اکثر کشورهای غربی برخوردار می باشد. امروزه نیروهای آن در نامیبیا بالغ بر یکصد و بیست هزار

بین المللی در سال ۱۹۷۱ قضاوت کرد که آفریقای جنوبی هیچ حقی دایر بر ادامه تسخیر نامیبیا نداشته و باید نیروهایش را فراخواند. اما آفریقای جنوبی به صورت غیرقانونی بر ادامه تسخیر نامیبیا پافشاری کرد. خلق نامیبیا پس از آنکه در سال ۱۹۶۶ به شیوه ای صلح آمیز درخواست آزادی کشورش را کرد، دریافت که آفریقای جنوبی تمایلی به پذیرفتن این درخواست صلح آمیز ندارد، لذا مصمم به آغاز نبرد مسلحانه شد و این مبارزه مسلحانه که مورد پشتیبانی سازمان ملل و دیگر محافل بین المللی است، تا به امروز ادامه دارد. سازمان ملل متحد، سواپو را به عنوان نماینده رسمی خلق نامیبیا به رسمیت می شناسد و قطعنامه های بسیاری در آن به تصویب رسیده است که به سه ساله نامیبیا می پردازد، از جمله، قطعنامه ۴۳۵ درخواست دارد که در نامیبیا انتخابات آزاد زیر نظارت و تحت اداره سازمان ملل متحد برگزار گردد. این قطعنامه از جانب آفریقای جنوبی به عمل در نیامده است، زیرا که از احتمال به قدرت رسیدن سواپو وحشت دارد. آفریقای جنوبی قصد دارد استقلال نامیبیا را به خروج نیروهای کوبا از آنکولامیکول سازد. آفریقای جنوبی مدعی است که کسب استقلال نامیبیا به موازات خروج نیروهای کوبا از آنکولامیکول پذیراست. سواپو معتقد است که نامیبیا یک کشور مستعمره است که خلق آن حق استفاده از هر وسیله ای را برای آزادی کشورشان دارند و هیچ رابطه ای میان این دو وجود ندارد. آنکولامیکول دولت مستقل است و حق دارد بدور از خالت دیگران بر سرنوشت خویش حاکم باشد. نتیجه آنکه سعی آفریقای جنوبی همراه با پشتیبانی دیگر نیروهای امپریالیستی در وابسته ساختن استقلال نامیبیا با خروج نیروهای کوبا از آنکولامیکول هیچ محنایی جز کوشش در راه تداوم ستم بر خلق ما و استثمار کشورمان و منافع آن توسط آفریقای جنوبی ندارد. سواپو این شرط را



گروهی از رزمندگان سواپو در حال اعزام به یک ماوریت برای مصاف با نیروهای اشغالگر آفریقای جنوبی

انجمن های اسلامی:

ارگانهای جاسوسی - تبلیغی رژیم

هفته گذشته، هیأت دولت متن آئین نامه اجرایی فعالیت انجمنهای اسلامی را تصویب و به وزارت کشور ابلاغ نمود هر چند کوشش شده است در متن آئین نامه مزبور، نقش و عملکرد واقعی انجمنهای اسلامی پوشانده شود اما حتی نگاهی به تغییرات مختلف آئین نامه انجمنها و سیر کشمکشها و مباحثات درون نیروهای حکومتی بر سر این آئین نامه نیز بخوبی میتواند افشاگر وظایفی باشد که هم اکنون انجمنهای اسلامی در کارخانه ها، ادارات و مراکز آموزشی بر عهده دارند.

پس از تصویب "قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن های سیاسی و صنفی" در مجلس شورای اسلامی تدوین آئین نامه این قانون ارتجاعی و ضد دموکراتیک بر عهده هیأت دولت قرار گرفت.

از آنجا که فعالیت انجمنهای اسلامی نیز موضوع قانون مزبور می شد، این امر حکومت را در تدوین آئین نامه مزبور، برای حفظ ظاهر با یک تناقض رویرو ساخت:

آئین نامه تدوینی می بایست از سویی قیود ارتجاعی "قانون ۰۰۰" را برای فعالیت "احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی" سنگین تر کند و از سوی دیگر این قیود شامل حال انجمنهای اسلامی، این تکیه گاه های رژیم در واحد های تولیدی، اداری و آموزشی نگردد و آنان در انجام وظایف محوله آزادی کامل داشته باشند.

اما تقابل با خلق روز افزون بود و نیاز به انسجام ارگان جاسوسی - تبلیغی در محیطها مختلف اجتماعی محسوس و محسوس تر و از آنجا که همپا با حرکت بسط سرو سامان دادن به اقتصاد بورژوازی، کسب نظم و نسق بورژوازی - هر چند تحت لوای اسلامی - هم لازم است، سامان دادن و بورژوازی کردن انجمنهای اسلامی نیز ضروری به نظر می رسید. بنا بر این از همان هنگام تلاش می شد آئین نامه اجرایی

انجمنهای اسلامی سریعتر و جداگانه تدوین شود. اما این امر پیش شرط هایی داشت: اینکه خیال رژیم از این انجمنها بیوزنه در کارخانه ها راحت باشد و مطمئن گردد که بعنوان چشم، گوش و در هنگام لزوم دست او در محیطها مختلف اجتماعی عمل خواهند کرد و دیگر اینکه خود حکومتیان در دعوی شان بر سر قدرت بر سر آئین نامه اجرایی ناظر بر فعالیت این انجمنها به توافق برسند.

با آشکار تر شدن خیانت رهبران جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب بهمین سمت گیری عیان تر آنان در جهت تامین منافذ بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران پیش شرط اول در مورد این انجمنها هم با پراکنده شدن نیروهای متوهم و هم با تصفیه های انجام یافته تامین گشت، سرعت تامین این شرط در انجمنهای اسلامی ایجاد شده در واحد های گوناگون، متفاوت بود. انجمنهای اسلامی ادارات از همان اوان انقلاب ما من فرصت طلبان و نان بیه ترخ روز خورها و ایادی مفتش و جاسوس ارتجاع گشته بود.

اوج گیری نارضایتی مردم از رژیم - سیاست پایش و نه "آنان به حکومتی که به اعتماد آنان خیانت ورزید، رنگ خطه را در گوشهای حکومتیان به صدا در آورد. آنان دریافتند که همراه با سامان دادن "سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی" باید چشم و چشم آنها نیز تقویت کنند و بکوشند آنها ناظر و حاضر در همه جا گردانند و نظم و نظام قابل قبول بدان دهند.

چنین بود که دیگر اینجا و آنجا مرتب از ضرورت انجمنهای اسلامی و لزوم تقویت آنها سخن گفته می شد. نخست وزیر چندی پیش اعلام داشت، نیاز حکومت به انجمنهای اسلامی بیشتر از گذشته شده است و لذا باید تقویت شوند. جنتی عضو فقهای شورای نگهبان و سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی یعنی همان

نیز نتیجه ناگزیر این مبارزه می باشد. ما امروز شاهدیم که روحیه خلقمان چنان بالا است که حتی دشمن بدان معترف است. این همه بدان معناست که نیروی نظامی آفریقای جنوبی هر چند هم که عظیم باشد باز آزادی از آن خلق ماست.

چشم انداز نبرد خلق نامیبیا را چگونه می بینید؟

همانطور که قبلا گفتم امروز شرایط در نامیبیا بگونه ای است که توده های خلق به دلیل شناختی که از تاکتیکهای حکومت آپارتاید کسب کرده اند روز بروز توانمند تری شوند و

سازمانی که مطابق بند ح تبصره ۱ آئین نامه اجرایی مورد بحث، باید صلاحیت عقیدت، اخلاقی اعضای هیأت موسس و هیأت مدیره انجمن اسلامی را تایید کند، لخت و بی پرده وظایف آنها را تشریح میکند. او که خود را محتاج سخن پردازی های "ظریف" نخست وزیر نمی بیند آشکارا اعلام می دارد "من معتقدم که انجمنهای اسلامی در حکم چشم گوش و بازو برای انقلاب (بخوان ساوا) می توانند توطئه ها و خطوط انحرافی را کشف بکنند و در مقابل آن، در حدود وظیفه ای که دارند و در حدود مقرراتی که وجود دارد بتوانند راه حلهایی پیدا کنند. این نهاد باید تقویت بشود و ۰۰۰ بعنوان یک نیروی ذخیره و احتیاط برای انقلاب محفوظ بماند." (جنتی - اطلاعات ۱۹ تیر) و اکنون تصویب آئین نامه اجرایی فعالیت انجمنهای اسلامی به معنای اعلام و معرفی رسمی این انجمنهاست به عنوان ارگان جاسوسی - تبلیغی رژیم و اعلام سامان دادن به آنهاست بر این بنیاد. اگر چه مدتهاست که در عمل و آشکارا انجمنهای اسلامی در عرصه های مختلف عمدتا بر همین روال عمل می کنند.

اکنون عملکرد انجمنهای اسلامی درست بمانند عملکرد واحد های کنترل ساوا در ادارات و کارخانه ها است که به "دایره حفاظت" موسوم بودند و در جمهوری اسلامی "دایره حراست"؛ نامیده شدند. این عملکرد، تقابل روز افزون این انجمنها با توده مجتمع در هر واحد و افراد بیش از پیش انجمنها را بدنیال داشته است.

اخباری که از انتخابات در کارخانه ها می رسد همه گویای این امر است فقط بعنوان نمونه می توان از کارخانه فوتون تبریز که در آن از ۷۴۰ نفر رای دهنده تنها ۱۱ نفر به نمایندگی انجمن اسلامی رای دادند نام برد و یا دخانیات تهران که در مقابل ۱۶۰۰ رای نماینده کارگران، کاندید انجمن اسلامی تنها ۶۰ رای می آورد.

انفراد و طرد، اولین مجازات اعمال شده توسط خلق در تقابل با خائنین و برپاد دهندگان دستاوردهای انقلاب و ایادی آنان است.

به همین دلیل نیز روحیه آنان ارتقای یابد. اگر به کوششهای اخیر دیپلماتیک آفریقای جنوبی توجه کنیم که در عین حال قصد دارد کشورهای همجوار را نیز در مساله دخیل نماید، به این نتیجه می رسیم که استقلال نامیبیا دارا فدی ماست. آفریقای جنوبی بود چه زیادی بر این حفظ موقعیت زمینداران سفید رن نامیبیا صرف می کند.

زیرا که بر اساس قانون نامیبیا، آنان باید از املاک خود دست بکشند و کشور را ترک کنند. زمینداران سفید در حال حاضر هیچ سرمایه گذاری نمی کنند. روشن است که استقلال نزدیکتر از هر زمان دیگر است.

نفری گردد و این در مقایسه با جمعیت ۱/۵ میلیونی نامیبیا نیروی عظیمی است. شما با مقایسه این دو عدد می توانید به نسبت چشمگیر حضور نظامی آنان در نامیبیا که در جهان بی سابقه است پی ببرید. علیرغم این نیروی عظیم که آفریقای جنوبی در کشور ما مستقر نموده است، خلق نامیبیا بوسیله سواپو ثابت کرده است که این عظمت نظامی در برابر اراده خلق به حساب نمی آید. همانطور که اشاره شد، قطعه نامه ۳۵ سازمان ملل متحد حاصل مبارزه مسلحانه خلق نامیبیا بوده است. این، دستاورد پراهمیت خلق نامیبیا است. ایجاد گروه های دست نشانده در کشورمان

در حاشیه

جهاد برای پر کردن جیب

جمهوری اسلامی ۱۲ مهر:

"در حال حاضر دید می شود چگونگی مسأله مهم انقلاب جنگ است و این سالها از او لویت خاصی برخوردار است و این مانع از همیشه فرصت طلبی کرد و جهت پرمودن جیب خود روانه جیبها می شوند."

يك سخن بی اغراق

موسوی نخست وزیر:

"متأسفانه من رقمی را در نامه ای دیدم که توزیع هم شده و در آن ادعا شده که دولت به شیوه ای عمل کرده است که در ۵ سال گذشته ۸۰ درصد واردات کشور توسط مراکز تهیه و توزیع، ۳ درصد توسط بخش خصوصی و یک درصد توسط تعاونی ها انجام شده و در این رقمهایی که داده شده فقط آن يك درصد آخر درست است و بقیه يك حالت اغراق گویی دارد."

(اطلاعات - ۱۰ مهر)

برکات ج.ا. در زمینه آموزش و پرورش

نماینده مجلس:

"هنوز ۲۲ کودک از صد کودک، از آموزش محرومند و در مناطق روستایی ۴۰ درصد از کودکان لازم التعلیم، پوشش تحصیلی ندارند و تاکنون توانسته ایم ۷۵ درصد از مراکزهای و ۲۲ درصد از دوره متوسطه را پوشش بدهیم و علاوه بر وضعیت فوق از نظر کیفی وضعیت تدریس و اسفناکی داریم ۱۰۰۰ افزون بر آن ۸۷ درصد دانش آموزان متوسطه را دانش آموزان عمومی و بقیه را دانش آموزان فنی و حرفه ای تشکیل می دهند ۱۰۰۰ از یک میلیون و دویست هزار دانش آموز در سال ۵۴ تنها ۸۰۰ هزار نفر آنان در سال ۵۹ به کلاس پنجم راه یافتند که بقیه یا مرد و د شده اند و یا به عللی نتوانسته اند ادامه تحصیل بدهند."

(جمهوری اسلامی - ۷ مهر)

مجسمه با حجاب اسلامی

در مقابل موزه هنرهای زیبا در خیابان کارگر شمالی، يك مجسمه بزرگ برنزی وجود دارد که زن و مردی را در کنار هم مشغول کشاورزی و برآه انداختن چرخ صنعت نشان می دهد. چندی پیش، به منظور مبارزه با پیکربندی حجابی و مظاهر آن، چادربریزنی ضخیمی را بر روی مجسمه انداختند تا بی حجابی موهای مجسمه زن خللی در نظام جمهوری اسلامی بوجود نیاید."

بعد از چندی دیدند مجسمه مرد را در کنار مجسمه زن، بیخود و بی جهت زیر چادر حبس کرده اند. بر آن شدند چاد را از روی مجسمه مرد کنار بزنند. بعد از مدتی که این حالت مضحك مجسمه، اسباب خنده رهگذران شد، آخر سر تصمیم گرفتند مجسمه مرد را هم با چادر بپوشانند."

مبارزه با قاجاق!

مدیر عامل شرکت دخانیات:

"در اکثر موارد، دادگاهها حکم برائت صادر می کنند. به عنوان مثال يك قاچاقچی که ۱۰۰۰ سیگار و پنبستون را با لنج به بندر جنوب کشور آورده بود پس از دستگیری توسط ضابطین اجرایی از سوی دادپا محترم بی گناه تشخیص داده شد. ضمن اینکه اعلام شد، وی قاچاقچی نیست و پول سیگار را باید مسترد شود. این در شرایطی بود که ما یقین داشتیم شخص دستگیر شده، قاچاقچی است اما تهدید شده بودیم که اگر حکم دادگاه را اجرا نکنیم، خودمان بازداشت خواهیم شد. ۱۰۰۰ شخصی به عنوان نماینده يك اداره دولتی، با امضا جعلی و سربرگ مربوط به دخانیات مراجعه کرده و حدود ۳ میلیون تومان سیگار و پنبستون به نرخ دولتی برده است."

(اطلاعات - ۱۰ مهر)

سند معبر!

اطلاعات - ۱۶ مهر:

"امروزه نیازی نیست که مسافت زیادی برای یافتن "گدا" پیموده شود بلکه هنگام گذر از معابر باید در جستجوی راه گریزی بود. در میدان توپخانه و محلهای ورودی خیابانها منتهی به این میدان، بالغ بر ۲۲ نفر گدا دیده می شود. از این تعداد ۸ نفر کودک، ۹ نفر زن و ۵ نفر مرد هستند."

قساوت ضد بشری در قضاوت

به سبک ج.ا.

"مردی که نسبت به همسرش شکاک بود، او را به بهانه دیدن فرزندانش به بیابانهای اطراف ورامین برد و با کمک دو نفر دیگر، چشمهای زنش را با چاقو زخمی و کور کرد. دادگاه قضیه را مورد بررسی قرار داد و او را محکوم به قصاص چشم کرد. وی افزود:

در مقابل دو چشم زن يك چشم مرد قصاص می شود و اگر زن بخوهد و چشم مرد را قصاص کند باید نصف دیه چشم را که ۵ هزار درهمی شود، بپردازد، چون دیه دو چشم ده هزار درهم است و نصف آن معادل ۲۶۲۵ مثقال نقره است." (کیهان - ۲ مهر)

از شعار تا عمل

تیترو صفحه ۱۹ کیهان ۲ مهر:

"سعی ما بر این است تا در کنار هر مسجد يك ورزشگاه داشته باشیم" تیترو دیگری از همان صفحه:

"آموزش و پرورش اقدام به حذف معلمان ورزش مدارس ابتدایی نمود."

يك مسابقه ورزشی در ج.ا.

کیهان ورزشی (۷ مهر):

"در رشته واترپلو، تیم های گرگان، مشهد و زاهدان به صورت دوره ای با هم رقابت داشتند. کم عمقی نیمی از استخر تربیت بدنی گرگان از کیفیت بازیها کاسته بود و اولین در شرایطی بود که تیمی که در قسمت کم عمق قرار می گرفت، نیمی از بدنش در آب قرار داشت و گل زدن در این قسمت امکان نداشت. ۱۰۰۰ در پایان مسابقات، مسئول برگزاری، از انجام مسابقه شنا و واترپلو در گرگان به دلیل نداشتن امکانات از جمله سوت، میز، بلندگو و دارو و رشد انتقاد کرد."

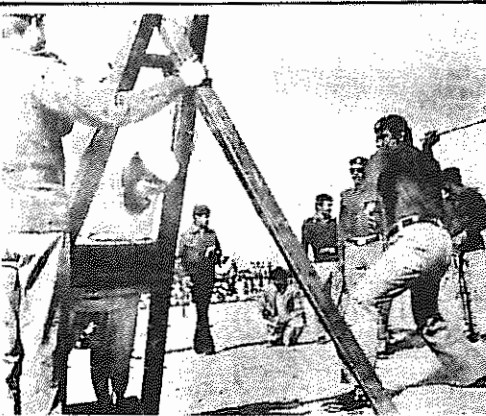
"انقلاب اسلامی"

دارد صادر می شود!

جمهوری اسلامی ایران:



جمهوری اسلامی پاکستان:



جمهوری اسلامی سودان:

"دست و پای دو مرد به جرم دزدی در خارطوم قطع شد، دست راست و پای چپ یکی از آنها به جرم دزدی مسلحانه ۵۵ لیبره سودانی (۶۵۰ تومان) و دست راست دیگری به جرم دزدی ۱۰۰ لیبره (۱۳۰۰ تومان) قطع گردید." (جمهوری اسلامی - ۲۱ شهریور)

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و ننگین است ④

بعنوان مکمل، و به درجاتی نتیجه اقدامات ضد انقلابی، سرکوبگرانه و تبعیض آمیز مجریان و برنامه ریزان رژیم جمهوری اسلامی باید از اقدام برای ایجاد و گسترش فرهنگ ریا و دورویی در میان بخشهای مختلف جامعه، منجمله مدارس و دانشگاهها نام برد. رهبران رژیم در تحمیل اندیشه ها و معیارهای بغایت ارتجاعی خود به مردم، با مقاومت هردم فزون تر آنان مواجه شده اند، اما باید اذعان داشت در رواج یکی از مبانی سیاست و شریعت خود "تقیه" تاحدودی موفق بوده اند! این موفقیت باید به کارنامه سراسر سیاه آنان در عرصه مدارس و دانشگاهها افزوده گردد. اقداماتی چون ایجاد جو ترور و خوفناک، تبعیضات گوناگون در استفاده از امکانات، سدهای ایدئولوژیک - سیاسی برای ادامه تحصیل، سدهای ایدئولوژیک سیاسی برای یافتن شغل مناسب و... دانش آموزان و دانشجویان را وامی دارد خود را آنچنانکه مطلوب رژیم است بنمایانند. هرچند با گسترش، بازهم بیشتر مبارزات مردم منجمله دانش آموزان و دانشجویان علیه ارتجاع و گسترش فرهنگ انقلابی آثار و بقایای آن بیش از پیش نابود خواهد شد. اما عوارض این اقدامات ضد آموزشی و ضد تربیتی چگونگی اکنون بخوبی دیده می شود.

در این زمینه هیچ صحنه ای برای رژیم محکوم کننده تراز این نیست که بیشترین کتابی که در دست داوطلبان و روبرو به دانشگاه در رشته های فنی، مهندسی، پزشکی و... برای آخرین مطالعه به هنگام ورود به جلسه امتحان دیده می شود رساله "آقا" و "و یا" توضیح المسائل... است.

ترکیب و وضعیت انجمنهای اسلامی در تمامی واحدها و موسسات، منجمله موسسات آموزشی نیز بخوبی دستاورد رژیم در زمینه گسترش فرهنگ ریا و تزویر را نشان می دهد. انجمنهای اسلامی علاوه بر مژگی فریب خورده و

ایادی رژیم، مانع بیشتر آن فرصت طلبان و ناس به نرخ روز خورهای نو و پاکه نه مسلمانی شده است که بزم خود تا مین منافعشان را در عضویت در این انجمنهای دیدند. باید اضافه نمود در مراکز آموزشی، این انجمنها به گریزگاههایی جهت فرار از درس و تلاشهای تحصیلی نیز بدل شده اند.

بعنوان یکی از نتایج سیاستهای بسیار مخرب دست اندرکاران چگونگی در عرصه های گوناگون اجتماعی، باید ارزش و گسترش ناامیدی و یاس در میان جوانان و دانش آموزان نام برد. بی اعتمادی به آینده، نداشتن چشم انداز روشن، خطر تقربا حتمی بیکاری، خطر جلب به سربازی و اعزام به جبهه های جنگ، عدم امکان ادامه

تحصیل در مراکز آموزش عالی، نیا موختن هیچگونه تخصص مفید اجتماعی جهت جذب در بازار کار، فشارهای ناشی از فقر مالی خانواده ها، اقدامات گوناگون در زمینه های تحمیل اندیشه، طرز رفتار و معیارهای ارتجاعی، برخفان و سرکوب و... همه و همه عواملی هستند که در تشدید و گسترش ناامیدی و یاس در میان جوانان و دانش آموزان و پیوسته دختران نقش داشته اند. دستاوردهای جمهوری اسلامی در این عرصه خود را به اشکال مختلف بنمایش می گذارد: بروز روحیه خمودگی و کسالت، افزایش بیماریهای عصبی در جوانان، افزایش میزان خودکشی ها، گسترش فساد، اعتیاد، بزه کاری و...

ابعاد فاجعه آسای گسترش این بیماریها و فشارهای اجتماعی حتی از پلای روزنامه های رسمی رژیم نیز هویدا است.

در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ شهریور آمده است: "امروز بوضوح می بینیم کمالات ساله مواد مخدر آینده نسل ۱۰-۱۲ ساله های ایران در خطر است. بطوریکه بر طبق آمار یکامور تربیتی شهرزاهدان داده بود، در سطح مدارس راهنمایی حدود ۱۷۰ نفر و از سطح دبستانهای دخترانه شهرزاهدان ۷۰ بچه معتاد وجود دارد." در هر شماره نشریات روزانه رژیم می توان مواردی از خودکشی جوانان و دانش آموزان، خلافتار پها و بزهکاریهای نو جوانان و دیگر نمودها و دستاوردهای سیاه جمهوری اسلامی در عرصه آموزش و پرورش جوانان را مشاهده نمود. روزنامه کیهان (۲۴ تیر)



طی گزارشی در مورد علل افزایش بزهکاری در جامعه می نویسد: "امروزه میزان جرایم و افزایش آنها در سطح جامعه از اهمیت ویژه و گستردگی خاصی برخوردار شده است. گشت و گذار کوهی در کلانتریها و ادارات آگاهی، کمیته ها و شهربانی، دادسراها و دادگاه ها همه نشان از افزایش میزان جرایم دارد که در این میان سرقت و کلاهبرداری در صدر آمار خلاف قانون قرار گرفته است. بررسی کوهی از آمار سنین سارقیین و بزهکاران نشان می دهد که اکثر آنان نو جوانان و جوانان بین ۱۶ تا ۲۴ سال هستند. در حال حاضر بخشی از نسل جوان مادچار کوه و اخلاقی

و فرهنگی شده... بعنوان یکی از ننگین ترین صفحات کارنامه جمهوری اسلامی در امر آموزش ابتدایی و متوسطه باید از عملکرد مسئولین امر در مدارس کردستان نام برد که دقیقاً تصویر پیری است از کارنامه سیاه حکومت در سرکوب فاشیستی و جنایتکارانه خلق دلا و رکرد به دنبال یورش همه جانبه رژیم به کردستان در سال ۵۹ رسماً آموزش و پرورش استان کردستان منحل اعلام گردید. پس از اشغال شهرها و باز شدن نسبی مدارس اکثر معلمان اخراج و برخی نیز به نقاط دیگر ایران تبعید شدند. به جای معلمان اخراجی گروهی از ایلادی غیرکرد رژیم بکارگماره شدند حتی در مدارس باسداران رژیم با لباس نظامی بعنوان معلم در سزلاس درس حاضر می شدند. اخراج، زندانی کردن، شکنجه و اعدام معلمان و دانش آموزان ابعاد بسیار گسترده ای داشته است. تحمیلات

ارتجاعی فرهنگی به خلق کرد که رفح آن یکی از اهداف مبارزه خلق دلاورد راستای خود مختاری را تشکیل می دهد. جای ویژه ای را در سیاست رژیم

بخود اختصاص می دهد. علاوه بر تحمیلات گوناگون در زمینه زبان و فرهنگ ثردی و حتی معلمان کرد که بسیار مورد حساسیت ایلادی رژیم

در مدارس کردستان است باید از تحمیلات مختلف مذ هبی نیز نام برد.

در مقابل این فجایع و جنایات مبارزات شکوهند دانش آموزان کرد نیز جای ویژه ای در تاریخ مبارزات دانش آموزان ایران دارد.

عرصه قابل توجه دیگری در بررسی کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی کشور تبعیضات و فشارهای گوناگون اعمال شده بر اقلیتهای مذهبی و پیوسته هموطنان ارمنی ماست. دست اندرکاران آموزش جمهوری اسلامی به تبعیت از مژگی رهبران خود در نادیده گرفتن و پایمال ساختن ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک مردم و منجمله اقلیتهای مذهبی فشار هسای زیادی را بر دانش آموزان ارمنی اعمال کرده اند.

در مدارس ارمنی معلمان و مدیران "مکتبی" بکار گرفته شده اند. در ریس به زبان ارمنی بکلی ممنوع شده است. این حکم شامل تعلیمات دینی مسیحی نیز می شود. تدریس

شرعیات ارمنی به زبان فارسی از روی کتابهایی انجام می پذیرد که "مکتبی های آموزش و پرورش آنها را تدوین کرده اند. این فشارها عکس العمل وسیع دانش آموزان ارمنی را برانگیخته است. آنان مخالفت خود را با سیاستهای ارتجاعی حکومت به اشکال مختلفی چون عدم شرکت در جلسه امتحان و یا ارائه ورقه سفید نشان دادند. بیش از ۲۰ مدرسه ارمنی تعطیل شد. و اکثر دانش آموزان ارمنی به همین دلیل مردود اعلام شدند.

(ادامه دارد)

[illegible]

رویدادهای
جهاناریش هونگر و آندره ای گرومیکو:
یکپارچگی اردوگاه سوسیالیسم،
برتری جویان امپریالیست را
شکست خواهد داد

در جریان برگزاری جشنهای سی و پنجمین سالگرد بنیانگذاری جمهوری دمکراتیک آلمان، هیات شوروی به ریاست آندره گرومیکو عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی از برلن بازدید و با رهبران آلمان دمکراتیک دیدار و گفتگو کرد. در این سفر، قرار داد درازمدتی میان دو کشور در باره همکاریهای علمی و فنی به امضا رسید.



عسلی از دیدار اخیر هونگر و گرومیکو

در بیانیه خبرگزاری آلمان دمکراتیک پیرامون دیدار آندره گرومیکو با اریش هونگر دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و صدر شورای دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان آمده است، دو طرف تلاشهای محافل امپریالیستی برای تحت فشار قرار دادن اردوگاه سوسیالیسم و دستیابی به برتری نظامی را محکوم به شکست دانستند. این تلاشها، بر اثر "یکپارچگی کشورهای سوسیالیستی برادر و هماهنگی مؤثر عملکرد آنان در عرصه بین المللی" عقیم خواهد ماند.

بیانیه می افزاید: "در آینده نیز اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری دمکراتیک آلمان توطئه های دشمنان امنیت اروپا و همچنین همه تلاشهایی را که در جهت زیر سؤال بردن واقعیات ارضی و سیاسی انجام می گیرد، قاطعانه با شکست مواجهه خواهند ساخت. پذیرش این واقعیات، شرط اجتناب ناپذیری برای پا برجا نگه داشتن مناسبات صلح آمیز و سازنده میان دولتهای این قاره است."

اریش هونگر و آندره گرومیکو در جریان دیدار دوستانه خود تأکید کردند: "اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان به اتفاق سایر کشورهای سوسیالیستی هر آنچه در توان دارند انجام داده و خواهند داد تا خطر

جنگ کاهش یافته، از وخامت تنش های بین المللی کاسته شده و روابط بین المللی دوباره به مسیر عادی خود بازگردد. دو کشور بر آمادگی خود برای انجام گفتگوی صادقانه و جدی با همه نیروهایی که واقعا به سالم سازی وضع جهانی علاقه مندند، تأکید نمودند. بیانیه مزبور در مورد مشی کنونی دولت جمهوری فدرال آلمان خاطر نشان ساخته است. استقرار موشکهای آمریکایی و انتقام جویی (روانشیم) بین مناسبات کشورهای سوسیالیستی با آلمان فدرال تأثیر منفی می گذارد؛ سپس آمده است: "مشی دولت کنونی بن مبنی بر تبدیل خاک جمهوری فدرال آلمان به سکوی پرتاب موشکهای هسته ای ضربه اول آمریکا و فعال شدن نیروهای انتقام جوی در این کشور وضع اروپا را پیچیده می سازد." آندره گرومیکو اریش هونگر را از محتوای مذاکرات خود با ریگان رئیس جمهور آمریکا و نیز سایر دولتمردان خارجی هنگام دیداری از ایالات متحده، آگاه ساخت. مواضع اتحاد شوروی، که در این دیدارها تشریح گردیده است، مورد حمایت کامل جمهوری دمکراتیک آلمان قرار گرفت.

جرفنگو:
شوروی خواهان تضمین امنیت
خلیج فارس و دریای مدیترانه است

اتحاد شوروی بار دیگر بر ضرورت تشکیل یک کنفرانس بین المللی پیرامون مسئله خاور نزدیک تأکید کرد. کنستانتین جرفنگو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، طی ضیافت شامی که به افتخار علی عبدالله صالح، رئیس جمهور جمهوری عربی یمن در مسکو ترتیب داده شده بود، اظهار داشت تنها یک راه حل همه جانبه و عادلانه می تواند برای ملل خاور نزدیک صالح را به ارمغان آورد. رهبر شوروی سیاست ایالات متحده و متحد استراتژیک آن اسرائیل را ریشه اصلی بحرانها و تنش های منطقه دانسته و افزود اتحاد شوروی به منظور تضمین امنیت خلیج فارس و منطقه مدیترانه خواهان محدود ساختن فعالیت های نظامی کشورهای خارجی در این منطقه و غیر مجاز گردیدن ساختن پایانه های نظامی بیگانه و نیز استقرار سلاح های هسته ای در این منطقه است.

تشکیل جبهه ملی در لبنان

سه شنبه گذشته در بیروت، تأسیس "جبهه ملی لبنان" اعلام گردید. در این جبهه حزب سوسیالیست ترقیخواه، حزب کمونیست لبنان و برخی احزاب دیگر کشورها عضویت دارند. ولید جنبلاط صدر حزب سوسیالیست ترقیخواه طی یک کنفرانس ملی با اظهاری داشت این جبهه مبارزه در راه آزادی لبنان از اشغال اسرائیل، حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور و همچنین تحقیق

اصلاحات سیاسی و اقتصادی را مهمترین وظایف خود می داند.

پیروزی جبهه فارابوند و مارتی
در السالوادور

مبارزین جبهه رهایی بخش فارابوند و مارتی در السالوادور به یک پیروزی سیاسی مهم دست یافتند. رژیم دوارته، که قبلا برای آغاز مذاکرات با این جبهه شرایطی قائل شده بود، تحت فشار مبارزه روبه گسترش آزادی بخش، ناچار گردید از این شرایط دست بکشد. اکنون نیروهای رهایی بخش با آغاز مذاکرات موافقت کرده اند. طی بیانیه ای که از "رادیو پیروزی"، فرستنده نیروهای رهایی بخش، خوانده شد، آمادگی جبهه فارابوند و مارتی برای شرکت در مذاکراتی که این هفته برای دستیابی به یک راه حل مسالمت آمیز انجام می گیرد، اعلام گردید. این مذاکرات روز پانزدهم اکتبر در شهر لاپالما واقع در استان چالا تنانگوکه اکثر مناطق آن آزاد شده، آغاز می شود. قرار بر این است که به منظور تضمین امنیت هیات نمایندگی مبارزان، نیروهای دولتی اعزامی لاپالما را تا شعاع ده کیلومتری تخلیه کرده و شخصیت های نامدار و نمایندگان وابستگان داخلی و خارجی در محل مذاکرات حضور یابند.

به پیشنهاد جبهه رهایی بخش، پریزیدنت بتاکور رئیس جمهور کلمبیا به عنوان واسطه در مذاکرات شرکت خواهد کرد. دوارته رئیس جمهور السالوادور قبلا هر گونه مذاکره با جبهه فارابوند و مارتی را مشروط به حل سلاح این جبهه و یا لااقل برقراری آتش بس کرده بود. با یک قدم از این شرط مورد پذیرش نیروهای رهایی بخش قرار نگرفت. اکنون رژیم بدون قرار دادن پیش شرط، حاضر به مذاکره گردیده است، امری که اثر مستقیم پیروزیهای نظامی مبارزان است.

اعتراض یونان به نقض حریم هوایی
این کشور توسط ترکیه و ناتو

دولت یونان طی اعلامیه ای علیه نقض حریم هوایی این کشور و به خطر افکندن پرواز هواپیماهای غیر نظامی در یک مسیر بین المللی توسط ترکیه در جریان مانور ناتو تحت عنوان "نمایش اراده" اعتراض کرد. طبق اظهارات یک سخنگوی دولت یونان در آتن، در تمامی موارد، تجاوز کنندگان به حریم هوایی یونان توسط جنگنده های این کشور به عقب رانده شدند. پیشتر از این نیز، دولت یونان بارها علیه مانورهای ناتو اعتراض کرده بود. دوشنبه گذشته، یونان طی یک اقدام پیشگیرانه، به منظور حفظ امنیت هواپیماهای غیر نظامی، مسیر هوایی بر فراز دریای اژه را مسدود نمود. یونان از شرکت در مانورهای ناتو خودداری کرده است.



کارگران و انجمن اسلامی

— در کارخانه فوتوژن تبریز، کارگران تصمیم گرفتند نمایندگانی را از میان خود برای پیگیری مسائل و از جمله دریافت حق بهره‌وری برگزینند. — کوشش انجمن اسلامی کارخانه برای مصرف کردن کارگران به نتیجه نرسید و کارگران با یکپارچگی روز ۲۸ مرداد برای برگزاری مجمع عمومی انتخاب نمودند. به دنبال آن انجمن اسلامی سعی کرد با تهدید نامزد های مورد نظر کارگران را از کاندیداتوری منصرف نماید و همراه با آن تبلیغات گسترده‌ای را برای نامزد های خود به راه انداخت. — در روز مقرر مجمع عمومی برپا شد. در آغاز جلسه انجمن اسلامی ضمن معرفی نامزد های خود در نظر داشت از اعلام اسامی دیگر داور طلبان جلوگیری نماید. کارگران با اعتراض به این روش موفق شدند و نفر دیگر از میان خود در لیست کاندید ها بگنجانند. — با اعلام نتیجه رای گیری روشن شد که این دو نفر از میان ۷۴۰ رای دهنده به ترتیب ۶۹۰ و ۶۵۰ رای و کاندیداهای انجمن اسلامی تنها ۱۱ و ۹ رای آورده‌اند. — در کارخانه سیمان صوفیان در تبریز، انتخابات برای گزینش اعضای هیات مدیره تعاونی مصرف کارگران صورت گرفت. — در این انتخابات نیز انجمن اسلامی نتوانست کاری از پیش ببرد. کارگران افراد مورد نظر خود را برگزیدند. از آن پس انجمن اسلامی مداوماً کوشش با تهدید نمایندگان برگزیده کارگران را وادار به استعفا نماید. — اخیراً هیات مدیره تعاونی مجبور شد در جلسه مشترکی با اعضای انجمن اسلامی شرکت کند. — در این جلسه انجمن اسلامی رسماً از نمایندگان کارگران خواست تا کناره‌گیری و امور را به آنها واگذارند.

جنگ اندازی بر زمین با اسکورت زاندارمها

در روستای توشامی اسلام آباد غرب، یکی از دهقانان کم زمین روی قطعه زمینی کوچکی کشت می‌کود که ۲۰ سال پیش آن را آباد نمود و همه این مدت روی آن کاری کرد. حیدری فتو دال ده از مدت‌ها قبل به این زمین چشم دوخته بود و می‌خواست آن را از چنگ دهقان درآورد. حیدری که صاحب بخش غالب اراضی این روستا و روستاهای اطراف و نیز مستغلاتی در باختران می‌باشد ادعای کرده سنند مالکیت این زمین را نیز در دست دارد. ولی تا تابستان امسال نتوانسته بود کاری از پیش

ببرد. ۱۰ ماد ۱۹ تیر سال جاری تراکتور او در حالیکه توسط زاندارم ها اسکورت می‌شد وارد این قطعه زمین شده و آن را برای فتو دال شخم زدند. این قطعه زمین از دست دهقان ربوده شد و بر زمینهای فتو دال افزوده گردید.

پشتیبانی روستائیان از منتخبین خود

در روستای فتوح از توابع شهرستان ایران شهر، در سال ۶۰ کارکنان فروشگاه شرکت تعاونی روستا برای مردم برگزیده و مشغول کار شدند. — عملکرد درست این کارکنان باعث شده بود که زمینه چپاول خوانین کمی محدود شود. — به همین خاطر آنها از ادامه کارایین افراد ناراضی بودند. — اقدامات آنها باعث شد تا چندی پیش مقاماتی از شهر برای ابلاغ عزل این کارکنان وارد روستا شوند. — با ورود آنها روستائیان گرد آمده و بطوریکه از انتخاب این روستاییان خود پشتیبانی کردند. مقام دهقانان بلسج باعث شد تا هیات اعزامی بی آنکه به نتایج مورد نظر برسد به شهر بازگردد.

زایشگاه برای جاده ساوه

در جاده ساوه طبق آمار رسمی دولت دویست و پنجاه هزار نفر زندگی میکنند. در این محل مردم بخاطر دود غلیظ کوره پزخانه ها، ترافیک سنگین جاده، که تاکنون حوادث مرگبار بسیاری را پدید آورده است، نداشتن آب، فقدان امکانات درمانی و بهداشتی و ... در وضعیت بسیار طاقت فرسائی بسر میبرند. — مسئله ساختن راهی بدون مجوز، دائماً میان مردم و مأمورین درگیری ایجاد میکند. — نبودن مدارک کافی در شهرکهای این جاده بهیژه برای دختران باعث گردید دختران به ناچار ترک تحصیل کنند. — نبودن زایشگاه در این منطقه پسر جمعیت تاکنون بقیه متجان تعداد زیادی از زنان زحمتکش محل منجر شده است. — چند سال قبل بدنبال فشار اهالی، شهرداری یک قطعه زمین مصادره شده را به زایشگاه اختصاص داد. — در این زمین دیسوار کشیده و تا بلوی زایشگاه را هم روی آن نصب کردند. — اما در همه این مدت برای آغاز ساختن زایشگاه قدمی برداشته نشد. — مراجعات مکرری که مردم تاکنون برای اعتراض به این وضعیت انجام داده‌اند به نتیجه نیا نجامید. — مقامات از مردم خواستند تا خود با جمع آوری هزینه مربوطه، در این محل ساختمان زایشگاه را بسازند. — در حالیکه برای مردم زحمتکش محل انجام آن غیر ممکن است. — باین ترتیب همچنان جان عدای از زنان زحمتکش این منطقه پسر جمعیت، قربانی بی توجهی حکومت سرمایه دارا میشود.

رئیس تازه

فلک فرساد رژیم سابق، رئیس ساواک شهرستان ایران شهریود. — این شخص با اوج گیری و پیروزی انقلاب متواری شد. — اخیراً مردم

مشاهده کردند که او بار دیگر به شهر بازگشته است. — با پرس و جو روشن شد که رئیس سابق ساواک به دعوت مقامات و به منظور ادامه وظایف گذشته به منطقه وارد شده است. — مقدماً به او در یکی از ادارات پست مهمی داده شده است.

نهیض سوادآموزی

نهیض سوادآموزی به دکانی برای دزدی و فساد تبدیل شده است. — این نهاد برای دست اند کاران به امکانی برای سوء استفاده تبدیل گردیده است. — مثلاً با داشتن موقتی منسوبین خود در آن، برای آنها امکان قبولی در دانشگاه را فراهم میکنند (از طریق سهمیه نهاد ها). — غالب محصلین نهاد به تنهایی چیزی که توجه ندارند، مبارزه با بیسواد ی است. — در یکی از مراکز نهضت که ۳۵ نفر از زنان زحمتکش برای سوادآموزی گرد آمده بودند، زنی بعنوان سواد آموز فرستاده شد. — کار این سواد آموز نهضت، تنها این بود که با بحث مدام بر سر بی حجابی و فرم لباسها، افراد را به با خدا و بی خدا تفکیک کند. — نتیجه این شد که در کمتر از ده روز کلاس، یکی از هم پاسید و خانم سواد آموز که با کلاس خالی روبرو شده بود به پشت میز ادارا ش بازگشت.

نتیجه سفر گنسر

در ماه گذشته هیاتی دهنفره از افسران رسته مهندسی ارتش جمهوری اسلامی وارد آلمان فدرال شدند. — آنها برای تأمین نیازهای تسلیحاتی رژیم با کمپانی های مختلف به مذاکره و معامله پرداختند و از کارخانجات چندی نیز در شهرهای مختلف از جمله در اسن و بوخسه م بازدید به عمل آوردند.

AKSARIYAT
NO 28

MONDAY 15 OCTOBER 84

Address آدرس
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY آلمان فدرال

P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 8YU
ENGLAND

P.O. BOX 68156 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90068
USA

C.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!